

فیلسوف به رفتگر خیابان گفت: واقعاً دلم برایت
می سوزد. شغل کثیف و طاقت فرسایی داری.
رفتگر در جواب گفت: متشکرم، اما بفرمایید
شغل شما چیست؟

فیلسوف با لحنی آمیخته با غرور و افتخار گفت:
من اخلاق و طبایع مردم و اعمال و انگیزه ها و
تمایلات آنها را بررسی و مطالعه می کنم.
رفتگر لبخندی زد و همان طور که آماده جارو زدن
می شد به فیلسوف گفت: ای بیچاره! ای
بیچاره! من هم دلم برای تو می سوزد.